

جدایی حاصلش مرگ است گاهی...

درباره لاله و لادن بیژنی، خواهران دوقلوی به هم چسبیده‌ای که هفدهم تیر سال ۱۳۸۲ هنگام عمل جراحی جداسازی جانشان را از دست دادند



آزاده چشمتی نویسنده

لاله و لادن نام هایی بود که بهز بستی برایشان انتخاب کرده بود. خواهران دوقلوی به هم چسبیده‌ای که دهم دی‌ماه سال ۱۳۵۲، پس از تولد، در بیمارستان فیروزآباد فارس رها شدند و از آنجا به بهزیستی انتقال یافتند و در سن سه‌سالگی، هنگامی‌که به بیمارستان شهدای تجریش تهران منتقل شده بودند، توسط پزشکی دلسوز و دغدغه‌مند به نام دکتر صفاییان به سرپرستی گرفته شدند.

پانزده‌ساله بودند‌که با انتشار تصاویرشان در مطبوعات و رسانه‌ها که نام آن دو را بر سر زبان‌ها انداخته بود، از سوی پدر و مادر واقعی‌شان، ملیحه صفری و دادا... بیژنی، شناخته و به‌واسطه سازمان بهزیستی با آن‌ها مرتبط شدند. در این اوضاع، دادگاه مدنی خاص به آن‌ها این اختیار را داد تا از میان پدر و مادر واقعی و پدرخوانده و مادرخوانده‌شان، یکی را برای ادامه زندگی انتخاب کنند، اما تصمیم دو خواهر بر زندگی در خانه‌ای مستقل بود. با این تفاوت که پس از

(حقوق دانشگاه تهران) را دریافت‌کنند. پس از تحصیلات با نمرات خوب و قابل قبول، درحالی‌که هر دو به زبان انگلیسی و مهارت‌های رایانه‌ای نیز تسلط یافته بودند، آماده حضور در بازار کار شدند، اما پس از بارها مردودشدن در مجموعه‌های مختلف، درحالی‌که آخرین بار پس از سه‌ماه کارآموزی از استخدام در یک سازمان دولتی محروم شدند، مغموم به خانه رفتند و تصمیم گرفتند، به هر قیمتی، از یکدیگر جدا

در حاشیه های عمل جراحی جداسازی لاله و لادن

وظیفه تشریح این دو خواهر را بر عهده داشت، اعلام کرد این دو نباید عمل جراحی می‌شدند. زیرا از ناحیه عروق مغز دارای چند رگ حیاتی مشترک بودند و در صورت جدایی، امکان زنده ماندن این دو هرگز وجود نداشت و به نظر می‌رسد پزشک جراح فقط جنبه شهرت و رسانه‌ای شدن نام خود را در نظر گرفته بوده است. در روز عمل جراحی، ده‌ها خبرنگار از سی‌ان‌ان،

گروه جراحی لاله و لادن به سرپرستی دکتر کیت گوا شامل ۲۵متخصص، پنج جراح اعصاب، یک متخصص جراحی عروق، شش متخصص جراحی پلاستیک و هشت رادیولوژیست بود و درمجموع ده‌ه‌ا‌پزشک در طول عمل جراحی که در کشور سنگاپور رقم خورد، با یکدیگر همکاری می‌کردند. ۱۰ سال پس از درگذشت لاله و لادن، رئیس تالار تشریح پزشکی قانونی که شخصا

به قول خدا

از خدا که پنهان نیست



روزنامه نگار فاطمه چشمتی

آدمیزاد در شلوغی و ازدحام آدم‌های دوروبرش، هزاران نقش را از صبح تا شب بازی می‌کند. گاهی توی دلش هزار غصه دارد ولی درمیان جمع می‌خندد. گاهی درونش از خشم بی‌پایانی شعله ور است و درظاهر مهربان و آرام به‌نظر می‌رسد. گاهی از کسی نفرت داردولی معامله‌سود و زیان‌زندگی‌وادارش می‌کند که ظاهر دوستانه داشته‌باشد. گاهی دشمنی است که نقاب دوستی می‌زند و گاهی

ظلمی‌را در پس نقاب مصلحت‌اندیشی به دیگری تحمیل می‌کند و گاهی شری‌است که در نقاب خوبی، نقش بازی می‌کند و... در بدترین حالت، بدی‌هایش را پشت‌نقاب خوبی پنهان می‌کند. کسی هم نمی‌داند این هزارویک نقاب عجیب را کی و چرا آدمیزاد خلق کرد و بر چهره‌اش زد تا خیلی وقت‌ها نمی‌باشد که می‌نماید. برخی‌ها اسمش را می‌گذارند سیاست رفتاری، اینکه در تعامل با آدم‌ها دست دلت رو نشود و برنده هر تعاملی باشی. برخی هم ریشه‌اش را در میل به خوب دیده شدن می‌دانند، اینکه تو همیشه در قابی زیبا و بی‌کم‌وکاست دیده شوی و برخی هم به نفاق خو کرده‌اند. اما آدمیزاد هرقدر

استوری گرام

حکایت حکیمی که بلد نبود



آبشار شاعر و نویسنده

حکمت و معنویت و عرفان بیاموزند. استاد مدعی طی یک ترم سلسله مباحث حکیم دانشمند را عین‌به‌عین به شاگردان تدریس کرد. چندی بعد ترم تمام شد و موعد آزمون عملی -که عبارت بود از راه رفتن روی آب- فرارسید. حکیم دانشمند همراه شاگردان به لب رودخانه رفتند و استاد مدعی نیز همراه با شاگردان از سمت مقابل به لب رودخانه آمدند. حکیم دانشمند از دور به استاد مدعی تعظیم کردو کش‌هایش را درآورد و روی آب راه رفت. شاگردان حکیم نیز به دنبال او روی آب راه رفتند و به سمت دیگر رودخانه رسیدند. شاگردان استاد

شوند.آن دو که پیش تر نیز با سفر به آلمان پاسخ منفی از جراحان این کشور دریافت کرده بودند و بار دیگر نیز از سوی پروفسور سمیعی درباره هشدارهای جدی شکست این جراحی آگاهی یافته بودند، قاطعانه تصمیم گرفتند با حضور در سنگاپور به دستان جراحسی با نام ،کیت گوا، که پیش از آن



موفق به جداسازی دوقلوهای دیگری شده بود، بختشان را در سی سالگی و آخرین بار امتحان کنند. دهم خرداد سال ۱۳۸۲ تصمیم تیم جراحی بر انجام عمل جداسازی قطعی شد و هفدهم تیرماه، گروهی ده‌هائفره متشکل از جراحان و متخصصان گوناگون پس از ۵۲ساعت کار بر روی لاله و لادن، درحالی‌که ۸۰درصد بافت‌های مغزی را جدا کرده بودند، با اختلال گردش خون در لاله، لادن را از دست دادند و لاله نیز پس از یک ساعت ونیم اغما، از دنیا رفت و چشمان هزاران ایرانی‌که چشم‌به‌راه اخبار بیمارستان بودند، در سوگ تراژدی این دو خواهر به اشک نشست.

کوچه

عاشق مردم!



روزنامه نگار غلامرضا بنی‌آسی

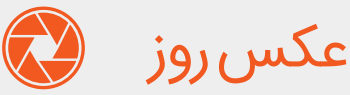
و خساست همراه بشود که هویت انسانی ما را به چاه چالش می‌اندازد. ما نسبت به همدیگر و جامعه مسئولیم. این مسئولیت حکم می‌کند نسبت به سرنوشت هم بی تفاوت نباشیم، بلکه روزه‌به‌روز تفاوت‌ها را در نظر بگیریم. حواسمان باشد به این نگاه: «کسی که یک پر سبزی را هدر نمی‌دهد و اسراف نمی‌کند، چگونه می‌تواند شاهد از دست رفتن استعدادهای خلق باشد؟» مانسبت به هم مسئولیم و مسئولیت کسانی که تدبیر امور مردم با آنان است، به تعداد افراد اثرپذیر ضریب پیدا می‌کند. مدیران صاحب جایگاه می‌شوند، قدر می‌بینند و بر صدر می‌نشینند، به این دلیل که دست مردم را هم بگیرند و از زمین بلند کنند. ارزششان در پیشگاه خداوند هم دقیقاً به اندازه تلاششان در این عرصه است. توان مدیریتی و تأثیرگذاری عملی اوست که کارنامه می‌شود و در دنیا و عقباً مدنظر قرار می‌گیرد، نه عبادات شخصی او. ما آدم‌ها، خودمان و زندگی‌مان نزد مسئولان امانتیم. امانت‌داری‌شان را حتماً محاسبه خواهد کرد خدایی که به فرموده رسولش، ما عیال اویسیم: «الخلق عیال.... فاحب الخلق الی... من نفع عیال.... و ادخل علی اهل بیت سرورا، مردم عائله خدا هستند، پس محبوب‌ترین کس نزد خدا، آن است که به عائله او سود رساند و خانواده‌ای را خوش حال کند. «ما می‌خواهیم همه‌مان محبوب‌ترین نزد خداوند باشیم. دعا می‌کنیم مسئولان به حسن عمل، محبوب‌ترین محبوب‌های خدا باشند. چنین‌باد، ان‌شاء....

حکیم بزرگ، استاد مدعی مباحث شما را از کجا بلد بود؟ حکیم دانشمند گفت: از قایل‌های صوتی که در کانال منتشر می‌کنیم برداشته بود. یکی دیگر از شاگردان پرسید: ای حکیم بزرگ، چرا استاد مدعی با اینکه می‌دانست تقلبی است، سعی کرد روی آب راه برود. حکیم دانشمند گفت: وقتی شاگردانش روی آب راه رفتند، غره شد و خیال کرد خبری است. او خیال می‌کرد جذابیت درس من به‌خاطر شخص من است، در صورتی که جذابیت شخص من به‌خاطر درس من است. وی سپس از شاگردان پرسید: استاد مدعی وقتی آب او را با خود می‌برد، جملاتی گفت. آن جملات چه بود؟ شاگردان گفتند: گفت «من بلد نیستم». حکیم دانشمند گفت: بیچاره یک جمله راست گفت، اما حیف که دیر شده بود.

به وقت مهربانی

هرسال همزمان با عید سعید فطر، خیـران بسیاری در سراسر کشور سفره اطعام پهن می‌کنند.

از شـربت و میوه و شیرینی گرفته تا خورشـت و برنج و آتش بساط پذیرایی‌شان است. آذربایجانی‌های مقیم مشهد نیز امسال آستین بالا زدند و در پارک ملت کام مردم را شیرین کردند.



عکس روز

SHAHRRARANEWS.IR

شنبه

شماره ۳۹۸۷

۱۹ دی‌ماه ۱۴۴۴

۱۷ تیرماه ۱۴۰۲

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد

● مدیر مسئول: سید مهتم موسوی مهر

● سـر د بـیـر: سید سجـاد طـلوع هاشمی

● نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱

● دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

● نمابر: ۳۷۲۸۳۱۳۰

● روابط عمومی: ۳۷۷۴۴۳۱۰

● شماره پیامک: ۳۰۵۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

۲۴٪

۲۱° ↑ ۳۵°

صبح ۲۸

ظهر ۳۳

عصر ۳۳

شب ۲۷

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۳۶:۳۷

نیمه شب شرعی ۲۲:۴۳:۳۳

غروب آفتاب ۱۸:۵۲:۰۲

اذان صبح فردا ۰۴:۳۵:۵۵

اذان مغرب ۱۹:۱۳:۱۰

طلوع آفتاب فردا ۰۴:۲۱:۴۶

کارتون شهر



امسال ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبار

به بازسازی و احیای بافت تاریخی مشهد اختصاص می‌یابد



رضا جنگی

شوخی

بی شوخی

سنگ فرش هر مدرسه از طلاست!

سه‌م مدرسه و سه‌م دانش‌آموز از این‌دیه در اطلاعیه‌های بعدی اعلام خواهد شد.
سرویس بهداشتی مدارس نیز ظرفیت فراوانی برای درآمدزایی دارد و می‌توان بوی خوش پول را از آنجا استشمام کرد. فقط کافی است ورود عموم به آنجا آزاد شود و هر کسی هنگام خروج هزینه استفاده از آن را بدهد.

۱سال هاست که آموزش و پرورش مصوب کرده است مدارس حق ندارند حتی یک ریال از والدین بگیرند، ولی از آنجا که مدارس تا ریال آخر مبلغ دلخواهشان را می‌گیرند، این پول مردم داده‌اشود و از محل آن وام با سود زیاد به دارنداولویتشان در دادن تسهیلات، کارمندان خودشان باشد، مدیر و کسانی که داخل دفترند نیز برای همسویودن بافرایندباگذاری می‌توانند به خودشان وام بدهند و اگر چیزی تهش ماند، به بقیه هم بدهند.

۵البته در همه مراحل درآمدزایی، مدارس باید متوجه این نکته باشند که هیچ معلمی نباید انشای موضوع، علم بهتر است یا ثروت، به دانش‌آموزان بگوید. زیرا واقعاً زشت است که در کلاس یک دانش‌آموز از برتری‌های علم نسبت به ثروت بگوید، ولی در دفتری که دیوار به دیوار همان کلاس است، مدیر و معاونان مدرسه انگشت شست و اشاره‌شان را به زبان بزنند و پول‌هایی را که از ملت می‌گیرند، بشمرند.

۶گفتنی است هدف بلندمدت این برنامه این است که تجاری‌سازی که از ۵۰درصد فضای مدارس شروع شده است، به صددرصد برسد و هر کسی خواست ادامه تحصیل بدهد، برود مدارس غیرانتفاعی!